

# بررسی تحلیلی نقش اراده انسانی در ساخت و تحقق تمدن نوین اسلامی

علی نقی فقیهی<sup>۱\*</sup>، لیلا صالحی<sup>۲</sup> و حسن نجفی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار علوم تربیتی دانشگاه قم

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه قم

<sup>۳</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه شاهد

\*Email: an-faghihi@qom.ac.ir

## چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی تحلیلی نقش اراده انسانی در ساخت و تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس پیش بینی‌های دین در ارتباط با جامعه آخرالزمانی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده که داده‌های آن از منابع حدیثی مرتبط با موضوع، گردآوری شده و پس از توصیف، مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از میان عوامل انسانی مؤثر بر زمینه‌سازی و تحقق تمدن نوین اسلامی اراده نقش بسیار مهمی دارد و تأثیرگذاری آن مبتنی بر توجه به منشأ بودن اراده خداوندی در افعال انسانی، کوشش انسان در جهت پیشرفت علمی، معرفت‌شناسی و الگوگیری از امامان معصوم (ع)، تقویت اراده خودسازی، دگرسازی و توانمندسازی و همچنین شناخت عناصر تمدن نوین اسلامی است.

کلید واژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، اقتضائات تحقق اراده انسانی، جامعه آخرالزمانی.

## مقدمه

یکی از مهمترین اهداف تربیتی اولیاء دین و پیش بینی‌های دینی در ارتباط با جامعه آخرالزمانی ساخت تمدن نوین اسلامی است و اصولاً آموزه‌های دینی به منظور تربیت انسان‌ها در جهت زمینه سازی و رسیدن به اهداف همین تمدن صادر می‌شود. آموزه‌های مهدوی بخشی از آموزه‌های دینی است که در راستای زمینه سازی برای تحقق این تمدن سرمایه گذاری شده است. در این آموزه‌ها به تبیین مسئولیت‌های افراد در اشاعه زیرساخت‌های تمدن و غلبه حق بر باطل پرداخته شده است تا با انجام مسئولیت‌ها بر ستمگران و موانع، چیره و ابعاد تمدن را در جامعه تحقق بخشند. در این آموزه‌ها تاکید بر این است که سهیم بودن هر یک از افراد در انجام وظایف، موقوف به آن است که تک تک افراد عملاً در زمینه رواج حقیقت‌گرایی و مبارزه با مظاهر فرهنگی و فریبکاری‌های مزدوران شیطانی تلاش نمایند (مطهری، 1393: 64). آموزه‌های مهدوی دورانی را ترسیم می‌نماید که شأنیت و شخصیت تربیت یافتگانش آنقدر بالا رود که لایق ظهور و شایسته همراهی و همگامی و خدمت به جوامع بشری در مقیاس جهانی باشند. زیرا یکی از پیامدهای درخشان فرهنگ مهدوی که در آموزه‌های دینی مورد توجه ویژه قرار گرفته، حیات مجدد اسلام و بازگشت عزت امت اسلامی است که با اراده قوی و همت مسلمانان تحقق می‌یابد (هاشمی شهیدی، 20: 1392).

حیات مجدد اسلام در جوانب مختلف همان تمدن اسلامی است که آرمان انقلاب اسلامی ایران هم همان است. امام خامنه‌ای، مهم‌ترین «آرمان» انقلاب اسلامی را همین موضوع قلمداد کرده و فرمودند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن نوین اسلامی خلاصه کرد. تمدن نوین اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن خلق کرده است برسد» (مقام معظم رهبری، 1392).

همچنین ایشان درباره توانمندی جامعه اسلامی برای زمینه سازی تمدن اسلامی می‌فرماید: «هم میراث گذشته ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده ما، هم همت و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای ما، همه‌ی اینها به ما نوید میدهد که ما ان شاءالله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگوئی را برای حرکت امت اسلامی ان شاءالله ارائه بدهیم» (مقام معظم رهبری، 1387). این مطلب نشان دهنده آمادگی کامل و حرکت انقلاب اسلامی در جهت «تمدن سازی» است که مانند تعمیر کشتی روی آب است؛ بدین معنا که باید قطعه قطعه و به تدریج آن را ساخت. و رویکرد تمدنی بدین معناست که مهدویت را ناظر به شکل دادن یک تمدن بدانیم. یعنی شرایط آخرالزمان و دوران ظهور را باید به گونه‌ای زمینه‌سازی کرد که ناظر بر روی کار آمدن یک تمدن الهی به جای یک تمدن غیر الهی باشد و با آگاه شدن انسان‌ها و آرزومند شدن آنان برای پدیدآوری شرایط تمدنی و تشنگی مردم برای عدالتی جهانی، برای ظهور آخرین ذخیره الهی و برپایی تمدن نهایی اسلامی بر سراسر جهان تلاش کنند. این رویکرد همان رویکرد راهبردی است، که انقلاب اسلامی دارد و با شعار زمینه‌سازی ظهور، براین اعتقاد که هیچ نیازی نیست که برای تحقق ظهور دست و پای بزنیم. تنها می‌نشینیم و دعا می‌کنیم و با دیدن نشانه‌ها امیدوار می‌شویم، خط بطلان کشید.

رویکرد تمدنی به مهدویت رویکردی است حاکی از آن که ما باید فعالانه به سمت ظهور برویم نه اینکه منفعلانه به انتظار آن بنشینیم، بلکه باید به مسئولیت هایمان در زمینه سازی ظهور بپردازیم. به عبارت دیگر آموزه های مهدوی یک نوع کارکرد استراتژیک و راهبردی برای ما ارائه می دهد که چگونه فعالانه به سمت ظهور حرکت کنیم و وظایفمان را در برهه های گوناگون در آن زمینه انجام می دهیم.

با توجه به مطالب فوق، پژوهش توصیفی تحلیلی حاضر با بررسی های کیفی خود؛ در صدد پاسخگویی به این پرسش است که اراده انسانی چه نقشی در ساخت و تحقق تمدن نوین اسلامی دارد؟

### اراده، عامل اصلی فعالیت های آدمی

در آموزه های مهدوی تاکید بر این است که اراده و اختیار انسان مهمترین نقش آفرینی را در ساخت تمدن دارد. این اراده و تلاش انسان ها است که در سرنوشت جوامع تاثیر گذار است. تحول جوامع به تحول افراد از طریق اراده و ایفای نقش آنان در ساخت جنبه های گوناگون تمدن، انجام می شود، قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) هر چه ما بخواهیم و اراده کنیم، خدا هم به همان تناسب به ما عنایت میکند و این گونه نیست که منحصر به اراده خداوند باشد. شکل گیری اراده به این است که نخست، تصویری از کار و نتیجه آن پدید می آید و مقدمات کار برای حصول نتیجه و فایده مترتب بر آن، مورد تصدیق قرار می گیرد، سپس شوق به خیر و کمال و فایده های که مترتب بر کار می شود و در نفس حاصل، و در پرتو آن، شوق به خود کار پدید می آید. و در صورت فراهم بودن شرایط و نبودن موانع، شخص تصمیم بر انجام کار می گیرد. و در حقیقت، عامل اصلی و محرک واقعی برای انجام دادن کار، شوق به فایده آن است. و از این روی، باید علت غایی را همان شوق به حساب آورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۳۱) شوق و اراده افراد بشر است که سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادی و شرایط اقتصادی و منافع فردی و گروهی را فراهم می سازد و به سوی هدفی بودن و مسلکی بودن و حکومت و اصالت بیشتر ایمان و ایدئولوژی سوق می دهد. باید توجه داشت که برای تحقق هر کاری شوق و اراده با هم نقش دارند و گاه شوق زمینه ساز اراده است ولی همان نیست. زیرا اولاً شوق یک معنای انفعالی است که در نفس پیدا می شود، و اما اراده یک حالت تصمیم گیری است که متصل به صدور کار است. و ثانیاً معمولاً آدمی به چیزی شوق پیدا می کند و اراده انجام آن را پیدا می کند. ثالثاً هر شوقی مبداء اراده نیست بلکه شوق موکد از مقدمات تحقق اراده می باشد، رابعاً چه بسا انسان بدون شوق و حتی چه بسا انسان بدون تصدیق به فائده، اراده چیزی را می کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۲: ۶۰). بنابراین شوق و اراده هر دو منشاء حرکت و فعل در انسان ها می- شوند. این مسلم است که هر فعل اختیاری که از افراد بشر صادر می شود اراده لازم دارد و امری که از امرکننده صادر می شود یکی از افعال اختیاری او است و باید همه مبادی فعل اختیاری در آن باشد. در حقیقت ما هر فعل و کاری که انجام دهیم تا اول صورت آنرا تصور نکنیم و میل به آنها پیدا نکنیم و بدنبال آن اراده تحقق او را ننمائیم آن فعل از ما سر نمیزند؛ و برای آنکه کاری را انجام دهیم در وهله اول باید حتماً منظره و شکل آن کار را تصور کنیم؛ و در وهله دوم میل به آن کار پیدا کنیم، و در وهله سوم

اراده بجا آوردن آن را در خود ایجاد کنیم (حسینی طهرانی، 1430ق: ۱۰۶). حال اگر در افراد صورتهایی که در ذهن آنها پیدا می‌شود و به آن میل می‌کنند، فقط و دائماً صورتهای خوب و پسندیده باشد، بنابراین بعد از تعلق اراده به آنها، همیشه و بطور دوام از آنها کاری پسندیده ظهور و بروز خواهد نمود؛ و اگر بعکس در ذهن افرادی پیوسته صورتهای قبیح و منظره‌های خیانت و جنایت و معصیت بوجود آمده و بدان میل و اراده کنند، پیوسته از آنها افعال قبیحه صادر خواهد شد (همان). از نشانه‌ها و آثار تکامل عقل انسانها، قوی شدن اراده آنان می‌باشد؛ اراده از سپاه و ارتش عقل است که با تکامل آن، اراده نیز قدرت پیدا کرده و نیرومند می‌شود. و با کامل شدن قدرت اراده انسان می‌تواند کارهای خارق‌العاده انجام دهد، زیرا در صورتی که قدرت اراده به حد نهایی برسد ایجادگر، انتقال‌دهنده، آگاهی‌بخش و... می‌شود (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

آموزه‌های مهدوی در فهم صورت مساله تمدن مهدوی، برانگیختن شوق ایجاد آن، دانش فرایند تحقق آن، آشنا سازی با افعال و مسئولیت‌هایی که افراد بشر باید انجام دهند و تصمیم جدی برای ساخت جامعه متمدن نقش موثر داشته و دارد. اراده بشر غیر آشنا به آموزه‌های مهدوی، بیشتر تحت تاثیر محیط طبیعی و محیط فرهنگی و اجتماعی و طبیعت حیوانی خودش شکل گرفته و متاثر شده است، ولی اراده بشر آشنا به آموزه‌های مهدوی، در اثر تکامل فرهنگ و توسعه بینش و گرایش به ایدئولوژی مترقی اسلامی مهدوی، در اسارت محیط طبیعی و اجتماعی و غرائز حیوانی قرار ندارد و از آنها در جهت اهداف علمی، اخلاقی و معنوی انسانی استفاده می‌کند و با تلاش‌های حساب شده و هدفمند، به مسئولیت‌های انسانی خود در ساخت جامعه متمدن لباس عمل می‌پوشاند (مطهری، ۱۳۹۳: ۴۸).

همچنین در آموزه‌های مهدوی نقش انسان در طول اراده و نقش خداوند دانسته شده است به این صورت که خداوند در جریان کارهای جهان و از جمله ظهور مهدی (ع) طبق یک برنامه و طرح قبلی و غیر قابل تخلف نقش دارد (مطهری، 1392: ۳۰)، ولی انسان را اراده داده است تا از جبر طبیعت و جبر محیط و جبر سرشت و جبر سرنوشت رها باشد. زیرا خصلت اساسی و ویژه انسان که معیار انسانیت اوست و بدون آن از انسانیت فقط نام میماند و بس، نیروی اراده و تسلط و حاکمیت انسان بر نفس خویشتن و قیام علیه تبهکاریهای خود و دیگران است (مطهری، 1393: ۵۴). بشر مختار و آزاد آفریده شده است؛ و همیشه خود را در سر راه‌هایی میبیند و هیچگونه اجباری ندارد که فقط یکی از آنها را انتخاب کند؛ سایر راهها بر او بسته نیست؛ انتخاب یکی از آنها به نظر و فکر و اراده و مشیت شخصی او مربوط است. یعنی طرز فکر و انتخاب اوست که یک راه خاص را معین می‌کند. اینجاست که پای شخصیت و صفات اخلاقی و روحی و سوابق تربیتی و موروثی و میزان عقل و دوراندیشی بشر به میان می‌آید و معلوم می‌شود که آینده سعادت بخش یا شقاوت‌بار هرکسی تا چه اندازه مربوط است به شخصیت و صفات روحی و ملکات اخلاقی و قدرت عقلی و عملی او و بالاخره راهی که برای خود انتخاب می‌کند (مطهری، 1392: ۵۹).

انسان تنها با قدرت تعقل خود زندگی نمی‌کند، و نمی‌تواند برای تأمین منافع خود دست به محاسبه بزند و خردمندانه عمل کند، مگر آنکه قبلاً «خود» را تعریف کرده باشد. سازو کار تأمین منفعت، مشروط به آگاهی نسبت به هویت است (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۱۵۲). خودآگاهی به معنی بازیابی حقیقت خویش به واسطه پرورش و زنده کردن استعدادهای فطری درونی است و وقتی

انسان در پرتو خودآگاهی به بینش درست از خود و نوع انسان‌ها دست یافت علاوه بر اینکه پوچ و پوچ‌گرایی که منشأ ناامیدی و سکون است از زندگی او رخت برمی‌بندد و جای خود را به تحرک و امید می‌دهد و روح نشاط و تلاش در زندگی او حاکم می‌شود، بلکه خود منشأ تحرک و پویایی در جامعه و اطرافیان خود گردیده و زمینه‌ها و بسترهای حاکمیت فرهنگ مهدوی را فراهم می‌کند. انسان وقتی ظرفیت‌های وجودی خود را در پرتو خودآگاهی، کشف کرد، برای رسیدن به شکوفایی این استعدادها به شدت احساس نیاز به مربی در او شکل می‌گیرد و با اراده خویش بر آن تصمیم می‌گیرد. انسان قادر است عملی را که صددرصد با غریزه طبیعی و حیوانی او موافق است و هیچ رادع و مانع خارجی وجود ندارد، به حکم تشخیص و مصلحت‌اندیشی ترک کند، و قادر است کاری را که صددرصد مخالف طبیعت اوست و هیچگونه عامل اجبارکننده خارجی هم وجود ندارد، به حکم مصلحت‌اندیشی و نیروی خرد، آن را انجام دهد. اینجاست که تاثیر انسان در سرنوشت خود بعنوان یک عامل مختار، یعنی عاملی که پس از آنکه همه شرایط طبیعی فراهم است در انتخاب فعل و ترک «آزاد» است، معلوم می‌شود (مطهری، 1392: 72). در آیه 5 سوره نور در مورد این که دین پسندیده خدا، در زمین مستقر و پا بر جا خواهد شد و خلافت روی زمین به مومنان و کسانی که عمل صالح دارند، خواهد رسید، و تمدن اسلامی پدید می‌آید چنین می‌فرماید: «وعدده خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که خلافت روی زمین را به آنها خواهد بخشید همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و مستقر کند». بنابراین نظام اراده انسانی در طول اراده پروردگار نقش ایفا می‌کند. هم در حالات روحی خودش حضور دارد که اخلاقیات حول اراده او شکل می‌گیرد و حساسیت‌های روحی و اوصافش به نسبت به اراده اش بر می‌گردد و همچنین اراده اش در شکل‌دهی نظام اندیشه و نظام فکری اش تبلور داشته و نظام رفتاری خاصی حاکی از اراده انسانی، پیدا می‌کند. با ظهور این اراده در مسئولیت‌های فرد نسبت به دیگران و فعالیت‌های اجتماعی، در رفع موانع و زمینه‌سازی برای ساخت تمدن و سرنوشت مطلوب برای خود و دیگران نقش خواهد داشت.

بر اساس آموزه‌های مهدوی، زمینه سازان تمدن اسلامی دارای اراده‌های پولادین اند<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۵۱: ۸۴). آنها شیردلانی هستند که بدون هرگونه تردید و تزلزل با قاطعیت به وظائف خود عمل می‌کنند<sup>۲</sup> (مفید، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

### چگونگی تأثیرگذاری اراده انسان بر ساخت تمدن نوین اسلامی

پرورش اراده انسان‌های مومن، کارآمدی و تأثیرگذاری مثبت آنان بر تمدن‌سازی نوین اسلامی، مبتنی بر توجه به امور زیر است:

۱- توجه به منشأ بودن خداوند در اراده انسانی

اراده انسانی در سطوح و ابعاد مختلف، در طول ربوبیت، فاعلیت و ولایت تکوینی حضرت حق عمل می‌کند. اراده انسان

۱. «تَجِيءُ الرَّاٰیَاتِ السُّوْدِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ كَاَنَّ قُلُوْبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيْدِ»

۲. «... لَيُوْتُ بِالنَّهَارِ كَاَنَّ قُلُوْبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيْدِ...»



توانمندی انتخاب است که خدای متعال در کنار عقل، شرایط و مقدرات عینی و طبیعی خدادادی به وی اعطا نموده است. اختیار و اراده انسان و حول و قوه او برای انتخاب و انجام افعال دائماً از فیض الهی مدد می‌گیرد. این انسان است که با همان عقل، اراده، قدرت انتخاب و توانائی انجام فعالیت‌ها که خدا به او داده است، می‌تواند ولایت خدای متعال و هدایت‌هایش را بپذیرد و در برابر قوانین الهی خاضع و خاشع باشد و هماهنگ با فطرتش به انجام کارهای خوب و ارزشی اجتماعی و معنوی اقدام کند و در مسیر هدف غائی آفرینش و سعادت گام بردارد. همچنین می‌تواند استکبار ورزد و به راهنمایی عقلی و حیوانی توجه نکند و به پیروی از اولیاء غی و طاغوت و بر خلاف ارزشها و اخلاق اجتماعی رفتار کند و مسیر شقاوت را پیماید. در آموزه‌های مهدوی برای ساخت تمدن نوین بشری، بر تولی و تبری تأکید شده است زیرا با تولی و ولایت پذیری، فرد با خدا، خوبی‌ها، پیشرفت‌ها، عقلانیت‌ها، عواطف انسانی، ارزشها و خوشبختی‌ها رابطه برقرار می‌کند و دل، افکار، گفته‌ها و رفتارها، همه در گرو خدا و اولیای الهی است و از طاغوت‌ها، دشمنی‌ها، حقارت‌ها، ضد عقلانیت‌ها و از تمام بدی‌ها و ضد ارزشهای انسانی و شقاوت‌ها، بیزاری می‌جوید و به هیچ وجه، نه در دل و نه در اندیشه و نه در اقدامات عملی با آنها رابطه‌ای برقرار نمی‌سازد.

## ۲- کوشش برای پیشرفت علمی

از مهم‌ترین عناصر قدرت ساز که در ساخت تمدن نوین اسلامی، بسیار موثر است، پیشرفت علمی است. بدون تردید تمدن‌ها برای «تأسیس» و «تداوم» خود، به توسعه دانش و کسب مهارت‌های علمی و معرفتی نیازمندند. در طول تاریخ حیات اجتماعی سیاسی بشر، تمدنی را نمی‌توان یافت که بدون توجه به علم توانسته باشد مؤلفه‌های گوناگون تمدنی خود را پایه‌ریزی کند. حضرت امیر (ع) علم را مایه اقتدار، توانایی، عزت و راه استیلا و نفوذ بر دیگران دانسته است<sup>۱</sup> (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۱۹).

ارائه و گسترش نظریات علمی منجر به تحول عمیق در شیوه نگرش و روش‌های کسب معرفت در جهان شده است. شکل‌گیری نظریات علمی کمک مؤثری به رواج تمدن جدید و استفاده هرچه بیشتر از توانمندی‌ها و استعدادهاى انسان‌ها نموده است. البته برای تحقق تمدن اسلامی مهدوی که جهانی است، پیشرفت علمی به اوج خود، خواهد رسید. در آموزه‌های مهدوی آمده است که دانش ۲۷ حرف یا شعبه و شاخه است، تمام آنچه پیامبران برای بشریت آورده اند دو حرف بیش نبود و مردم نیز بیش از آن دو حرف را نشناختند، اما هنگامیکه قائم قیام کنند ۲۵ حرف دیگر را آشکار ساخته و در پرتو خورشید وجودش در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را نیز بدان ضمیمه ساخته تا همه‌ی علوم کامل و منتشر گردد<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۵۲: ۳۳۶).

<sup>۱</sup> «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه»

<sup>۲</sup> «العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جئت به الرسل حرفان... فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرين حرفاً فبها فى الناس و ضم اليها الحرفين حتى يثبتها سبعة و عشرون حرفاً».

### ۳- معرفت‌شناسی و الگوگیری از معصومان (ع)

توجه به امام که اسوه هدایت است، تصمیم جدی بر حرکت مستمر به سوی تحقق اهداف و زدودن موانع را موجب می‌گردد. زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی به این است که اهداف، روابط و برنامه‌ها، همه همسو با مقاصد و خواسته‌های امام قرار گیرد. در زمینه‌سازی آن، باید انسان متکامل شود، و با پیروی و الگوگیری از انسان کامل این امر میسر است. زیرا در پیروی از انسان کامل، حرکت در صراط مستقیم و بیرون نرفتن از آن سامان می‌پذیرد و رشد و تعالی در بالاترین منازل عزت و شرف و قرب الی الله تعالی که هدف آفرینش است تحقق می‌یابد. از اینرو است که معرفت‌شناسی نسبت به امام یکی از مهمترین و واجب‌ترین تکالیف و مسئولیت‌ها است (حسینی مطلق، ۱۳۸۸: ۱۷) و حیات انسانی و تمدنی و سعادت‌مندانه هر شخصی به این معرفت است که هرکس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است<sup>۱</sup> (خویی، ۱۳۷۲، ج ۱۴: ۲۰۶)، مقصود از این معرفت آن است که حضرت را تا حدی باید شناخت که موجبات سعادت دنیا و آخرت آنان فراهم‌آید و راه شبهات و ضلالت بر آنان بسته شود. معرفت و شناخت شخصیت امام از راه معرفت به صفات و خصایص امامت و امام بدست می‌آید در این رابطه باید درنخستین گام، نسبت به فضایل و مناقب امامان معصوم (ع) شناخت کافی پیدا کرد و در گام بعدی باید به فضایل و مناقب خاص امام زمان (ع) نیز آشنا شد و به آنها شناخت پیدا نمود (حسینی مطلق، ۱۳۸۸: ۱۹).

### ۴- پرورش روحیه عاطفی با اولیای دین (ع)

تقویت رابطه عاطفی با انبیاء و اولیاء (ع) که به عنوان الگو پذیرفته شده اند اراده پیروان آنان را در جهت برآورده ساختن خواسته‌هایشان مصمم تر ساخته و آنها را به تلاش مضاعف برای ایجاد رشد و تعالی جامعه سوق می‌دهد زیرا که روابط عاطفی با اسوه‌ها، رابطه با اولیای الهی و ارزش‌ها است و این نوع روابط، حق‌پذیری، پایبندی به ارزش‌ها، تلاش برای حاکمیت اخلاق، حفظ کرامت انسانی و در یک کلمه اطاعت و فرمانبرداری از امام را بدنبال دارد. در حقیقت روابط عاطفی زمینه‌ساز فعالیت‌هایی است که به تحقق اهداف می‌انجامد. از اینرو است که پیامبر خدا برای تحقق اهداف رسالت خود، از مردم می‌خواهد با ائمه و خلفای خودش که از ذوی القربای او هستند رابطه عاطفی برقرار سازند<sup>۲</sup> (شوری: ۲۳).

### ۵- تقویت خودسازی، دیگر سازی و توانمند سازی

در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، اراده برداشتن بار سنگین و مسئولیت خطیر خودسازی، دیگر سازی و توانمندسازی را باید در افراد پرورش داد (هاشمی شهیدی، ۱۳۹۲: ۲۰۸). انسان می‌تواند فکر و اندیشه خویش را گسترش داده و درباره پیشرفت عالم هستی بیندیشد و فقط برای ترقی خود و یا خانواده اش نیندیشد و در افکار کوتاه غوطه ور نگردد (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۸: ۱۴). انسان می‌تواند بر اساس راهنمایی‌های حیات بخش خاندان وحی (ع) درباره نجات عالم بشریت بیندیشد و فکر خود را در راه پیشرفت و تکامل مردم سراسر جهان پرورش دهد (همان: ۱۵) ویژگی دگر سازی براساس تعالیم عالیه اسلام

<sup>۱</sup>. «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ»

<sup>۲</sup>. «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

بزرگترین خدمت انسانی و عالی ترین عمل اجتماعی و والاترین گام اصلاحی و مهمترین تکلیف واجب الهی است که هر انسان هوشیار و بیدار، بایستی توانایی کشیدن بار آن را به دوش بکشد و در آن سستی روا ندارد. اراده هر انسان مسلمان منتظر باید بر این استوار شود که در عین «خودسازی» توانمندی خویش را برای کمک به دیگران بالا ببرد و آنها را به مقام شامخ آخرین حجت خدا، و شکوه روز ظهور و لزوم انتظار فرج و وظائف دیگر، آشنا سازند.

فراهم سازی و آمادگی برای ساخت و تهیه ابزار و آلات مورد نیاز برای قیام شکوهمند حق علیه باطل جنبه دیگری است که اراده مومنان باید به آن معطوف گردد. در آموزه‌های مهدوی برای سوق دادن افراد مومن به معطوف ساختن اراده‌ها به آمادگی‌های همه جانبه مبارزه حق علیه باطل، آمده است: هر کس برای یاری ما مرکبی را آماده نگهدارد تا زمانی که آن مرکب نزد اوست به اندازه وزن آن و دو برابر وزن آن پاداش دارد، و هر کس اسلحه‌ای را به همین هدف نگاه دارد تا موقعی که آن اسلحه پیش اوست هم وزن آن پاداش دارد (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۸: ۳۸۱). از این رو، منتظران واقعی مانند جهانگرانی که در جبهه جنگ و میدان نبرد در انتظار فرمان حمله بسر می‌برند، در حال آماده باش کامل‌اند. این انتظار است که منتظران راستین ظهور را به سلاح عفت، تقوا، پاکي و پاکیزگی مسلح می‌سازد که تحت هیچ شرایطی زیر بار ظلم نمی‌روند، و در برابر هیچ ستمکاری سر تعظیم و تسلیم فرود نمی‌آورند. از این رو است که آمادگی و عمل انتظار فرج را با عظمت ترین عمل ارزشمند در فعالیت‌های بشری است<sup>۱</sup> (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۲۴۴)؛ بلکه بهترین جهاد و کوشش، و با فضیلت ترین کار و عمل محسوب می‌شود<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴۳: ۷۷).

#### ۶- شناخت عناصر تمدن نوین اسلامی

شناخت مولفه‌های تمدن نوین اسلامی در تقویت اراده و تصمیم جدی زمینه‌سازان ظهور برای انجام اقدامات و فعالیت‌های تمدن‌ساز بسیار موثر است. یکی از اساسی ترین رسالت منتظران ظهور بازشناسی عناصر و مواد تشکیل دهنده تمدن اسلامی مهدوی و میزان تأثیرگذاری این عناصر در شکل‌گیری بهینه آن بوده تا بتوانند در جهت اصلاح، حذف و یا تثبیت این عناصر در جوامع هدف تصمیم‌گیری کنند و زمینه استقرار تمدن اسلامی را فراهم نمایند.

این سوال اساسی است که تمدن نوین اسلامی از چه زمینه‌هایی باید برخوردار شود تا در آن آرمانی ترین حکومت جهان و آرزوی صالحان در جهان حاکمیت یابد و راز پایداری این تمدن در چیست؟ آیا نهایت ترقی ملت‌ها بسوی وصول بمقام بلند علمی و فنی و رسیدن بکمال مادیات راز پایداری این تمدن خواهد بود؟ مسلماً اینها لازم است ولی وصول بکمال اخلاقی و بروز صفات انسانی که زندگی مادی و معنوی را به هم گره می‌زند و سعادت دنیا و آخرت را تأمین می‌کند، محور اساسی در این تمدن است. راز بقای این تمدن چیزی جز توحید و حاکمیت حکم خدا در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها نیست و تمدن جهانی که نزدیک شدن انسانها از لحاظ فرهنگی به یکدیگر و پذیرش وجود ارزش‌ها، آگاهی‌ها، رفتارها و نهادهای مشترکی است که

<sup>۱</sup>. «انتظار الفرغ من أعظم العمل»

<sup>۲</sup>. «أفضل جهاد أمتی إنتظار الفرغ»



انسان‌ها در سراسر جهان دارند (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۸۷)، باید بر محور این دژ محکم شکل بگیرد.

اگر اراده انسانها بر اساس فرهنگ اصیل اسلامی که فرهنگ همه انبیای الهی است، به هم گره بخورد، اراده خداوند مبنی بر منت بر مردم مستضعف و پیشوایان و وارثان زمین قرار دادن آنان، تحقق خواهد یافت<sup>۱</sup> (قصص: ۵) زیرا که خدا می‌خواهد انسان‌ها با تغییر رشدی در فرهنگ و آرمان‌ها و فعالیت‌های خویش، جامعه را بسوی تمدن شایسته انسانی تغییر دهند<sup>۲</sup> (رعد: ۱۱) و مدینه فاضله واحد جهانی بسازند و ارکان و عناصر فرهنگی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی آن را بر محور الله ساماندهی نمایند (مطهری، ۱۳۹۳: ۵۷). و تمدن را بر اساس تدین ناب محمدی بنیان نهند.

## نتیجه گیری

به منظور تربیت انسان‌ها برای نیل به تمدن نوین اسلامی، در پیش بینی‌های دینی بر اراده انسان به عنوان عامل اصلی تاکید شده است. قرآن هم تحول جوامع را به مصداق «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» از تحول افراد ناشی دانسته که از طریق تقویت اراده و ایفای نقش موثر صورت می‌گیرد. نتیجه مطالعه حاضر آن است که بر اساس آموزه‌های مهدوی اراده به عنوان مهمترین عامل انسانی در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی مؤثر است و حتی در کارآمد سازی دیگر عوامل انسانی و بهره مندی از عوامل طبیعی نقش دارد. فرایند تأثیرگذاری اراده انسان بر ساخت جامعه متمدن اسلامی به این است که بدانیم اراده خداوندی منشا افعال انسانی است و باید اراده آدمی در طول اراده پروردگار خود را نشان دهد و در جهت پیشرفت علمی کوشش فراوان مبذول داریم و در معرفت شناسی و الگوگیری از امامان معصوم (ع) و ارتباط عاطفی با آنان و شناخت عناصر تمدن نوین اسلامی براساس آموزه‌های آنان سرمایه گذاری کنیم و برای تحقق آنها تمام همت و تلاش خود را بکار گیریم.

## منابع

- \* قرآن کریم (۱۴۱۵ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۹۰). شرح نهج البلاغه. جلد ۲۰. تهران: نیستان.
  ۲. حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۳۰ق). امام شناسی. جلد ۱. مشهد: علامه طباطبایی.
  ۳. حسینی مطلق، محمدرضا (۱۳۸۸). راه وصال، وظایف مومنان در زمان غیبت امام زمان (عج). قم: نصاب.
  ۴. خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). معجم رجال الحدیث. جلد ۱۴، قم: الثقافه الاسلامیه.
  ۵. زمردیان، احمد (۱۳۶۶). مقام ولایت در شرح زیارت جامعه کبیره. شیراز: فرهنگ اسلامی.
  ۶. صادقی ارزگانی، محمدامین (۱۳۸۶). آموزه مهدویت در عرفان اسلامی. تهران: علمی فرهنگی.

۱. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

۲. «ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم»



۷. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۳). منتخب الاثر فی امام الثانی عشر (ع). تهران: منیر.
۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۴۴). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. مجتهدی سیستانی، مرتضی (۱۳۸۸). دولت کریمه امام زمان (عج). تهران: الماس.
۱۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). آموزش فلسفه. جلد ۲. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مجموعه آثار. جلد ۲۴. تهران: صدرا.
۱۳. ----- (۱۳۹۳). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ. تهران: صدرا.
۱۴. ----- (۱۳۹۲). انسان و سرنوشت. تهران: صدرا.
۱۵. مفید، محمدبن محمد (۱۳۹۰). الاختصاص. محقق علی اکبر غفاری. قم: اسلامی.
۱۶. مقام معظم رهبری (۱۳۹۲). بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان. ۱۳۹۲/۶/۱۴.
۱۷. مقام معظم رهبری (۱۳۹۲). بیانات رهبر انقلاب در دیدار با در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس. ۱۳۸۷/۲/۱۷.
۱۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۲). طلب و اراده. ترجمه و شرح احمد فهری. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۹. هاشمی شهیدی، اسداله (۱۳۹۲). ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل اسلامی. قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۰. هانتینگتون، ساموئل پی (۱۳۷۸). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه محمد علی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.